

## نقد و بررسی آراء در باره ذوالقرنین

دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی \*

### چکیده

مفسرین و مورخین و اهل تحقیق مصادیقی برای ذوالقرنین در قرآن ذکر کرده اند از جمله بعضی از پادشاهان حمیرا، اسکندر مقدونی، کورش، داریوش و شی هوانک این مقاله بر آنست که ضمن نقد هریک از نظریه های مذکور یا آیات قرآن و نظریات مفسرین، به بررسی موقعیت جغرافیای تاریخی سفرهای ذوالقرنین پردازد و آنگاه با مطالعه ای در سدهای منسوب به ذوالقرنین در مناطقی چون تاجیکستان نزدیک شهر ترمذ، و در بند قفقاز و دیوار چین و ... راه را برای باستان شناسان بگشاید. باشد که از افسانه های تاریخی در باره ذوالقرنین به واقعیتها راه یابیم.

### جغرافیای تاریخی

برای جغرافیای تاریخی سفرهای ذوالقرنین و سد یا جوج و مأجوج در قرآن باید همگام با باستان شناسان سفری به کشورهای شمالی ایران انجام داد و در دو طرف دریای خزر به کاوش پرداخت جمهوری ترکمنستان در آسیای مرکزی، نزدیکترین کشور به ایران است. اغلب تمدنهای کهن محوطه ها و تپه های باستانی حاشیه جنوبی قراقورم در نزدیکی خاک ایران کنونی و نخستین پایتخت شاهان اشکانی در آنجا قرار دارد. از مناطق باستانی دیگر ترکمنستان دو تپه در نزدیکی روستای آناثو، در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد و نمازگاتپه و قره تپه است که

نشانه هایی از فرهنگهای عصر کشاورزی تا ادوار مس و مفرغ در آن دیده شده است. بوکیش Bukinitch در نمازگاه تپه کاوش را آغاز و سپس مارشچنکو<sup>۱</sup> در دهه ۱۳۰۹ ش آنرا ادامه داد. یکی از مناطق محتمل سد ذوالقرنین ترمذ در ازبکستان است.

دینک باستان شناس در ۱۳۰۶ ش نخستین بار شهر ترمذ قدیم در ده کیلومتری ترمذ کنونی را کاوید، و به کشف گورستانی در سمیرجبه (هفت رود) از قرنهای نخستین میلادی توفیق یافت.<sup>۲</sup> کاوش شهر افراسیاب که احتمالاً بنای آن در قرن ۶ ق م بوده و سپاه اسکندر نیز آن را خراب کرده بود از ۱۲۹۲ آغاز شد.

یکی دیگر از مناطق محتمل سد ذوالقرنین تاجیکستان است، این کشور کوهستانی برای سدسازی بسیار مناسب است پژوهشهای باستان شناسی از دهه ۱۳۰۹ ش در شمال رشته کوههای حصار و باختر آغاز شد، که هر دو منطقه روزگاری در قلمرو حکومت هخامنشی بود که بعدها به تصرف اسکندر درآمد.<sup>۳</sup>

### ذوالقرنین

● **وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْنَيْنِ، قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا و می پرسندت از ذی القرنین،**

بگو هم اکنون خوانم برایتان از آن گزارشی

● **إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ سَبَبٍ**

ما او را در زمین مکنت بسیار داریم و از هر چیزی اسباب و وسائلی

● **فَاتَّبَعَ سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ**

پس به راه افتاد تا اینکه به محل غروب خورشید رسید

● **وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ**

خورشید را چنان یافت که غروب می کند در چشمه لجن آلود

1- AA. Marushchlenko

۳- فرامینکن ص ۹۵، ۹۸

۲- یلدنشکی، ص ۴۱

● وَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَى الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تَعَذِّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

در کنار آن قومی را دید، گفتیم ای ذی‌القرنین، گاهی در حق اینان سخت‌گیر و گاهی مهربان باش

● قَالَ: إِنَّمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ، ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا وَإِنَّمَا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِن أَمْرِنَا يُسْرًا

گفت: اما کسی که ظلم کند فوراً عذابش می‌کنم تا بمیرد و پیش پروردگارش رود و خداوند او را سخت کیفر دهد.

اما کسی که ایمان آورد و کردار نیکو داشته باشد، پاداش نیکو خواهد یافت و برای او کار آسانی مقرر خواهیم داشت.

● ثُمَّ أَتَبَعَ سَبِيًّا، حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلَعَ الشَّمْسِ، وَجَدَ مَا تَطَّلَعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سَبِيلًا كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خَيْرًا

سپس به راه افتاد تا رسید به محل طلوع خورشید، آفتاب را چنان یافت که طلوع می‌کند بر قومی که برایشان پوششی قرار نداده بودیم، اینچنین اورابه وضعی که در پیش داشت آگاه ساختیم.

● ثُمَّ أَتَبَعَ سَبِيًّا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا، قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ: إِنَّ يَا جُوجَ وَ مَا جُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا؟

سپس به راه افتاد تا اینکه به منطقه ای میان دو سد رسید و پائین آن دو مردمی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند. گفتند: ای ذوالقرنین، یا جوج و ما جوج فسادگران این سرزمینند.

آیا مخارجی برای تو قرار دهیم که میان ما و آنان سدی قرار دهی؟

● قَالَ مَا مَكْنَىٰ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ، فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا آتُونِي زُبُرَ الْحَدِيدِ، حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ.

قال أَنفِخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا، قَالَ: آتُونِي أفرغ عليه قطراً

گفت: آن مکتی که پروردگارم به من داده خبر (مال فراوانی) است. (فقط) شما به من کمک

کنید تا میان شما و آنان سد محکمی بسازم.

آنقدر قطعات آهن بیاورید تا فاصله میان دوکوه پر شود و آنقدر (در کوره) بدمید که آهن چون آتش شود و برای من مس بیاورید تا به روی آهن گذاخته بریزم

● **فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۱**

پس از آن (قبائل یا جوج و مأجوج) نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند آنها سوراخ کنند. گفت این مرحمتی بود از جانب پروردگaram. پس وقتی که وعده پروردگaram فرارسد سد را ویران سازد و قطعاً وعده پروردگaram حق است.

\*\*\* \*\*

شخصیت و ویژگیهای ذوالقرنین بر اساس آیات قرآن از اینقرار است:

۱. کشورگشایی که صاحب دو قرن (ذوالقرنین) است.

۲. کسی که سه نوبت سفر سوق الجیشی داشته:

الف. سفر به غرب

جایی که احساس می کند که خورشید در چشمه سیاهی فرو می رود (احتمالاً در سواحل دریای سیاه یا دریای اژه)

ب. سفر به شرق و دیدار با مردم وحشی و برهنه

ج. سفر به منطقه ای که مردمش از او می خواهند که در برابر حملات مأجوج و مأجوج بر ایشان سدی بنا کند.

۳. ذوالقرنین پادشاهی عدالت پیشه بوده نیکوکاران را پاداش و مفسدین را کیفر و ستمدیدگان را در برابر فسادگران حمایت می کرده است.

۴. هدفش از آنها فتوحات کسب مال و استثمار ملل مغلوب نبوده بلکه خود از تسکین و

اقتدار کافی برخوردار بوده قصدش توسعه عدالت واقعیت در سایر مناطق جهان و کوتاه کردن دست ستمگران بوده است.

۵. ساختن سد با آهن و مس گداخته نشانه تمدن پیشرفته وی می باشد.

### وجه تسمیه ذوالقرنین

در وجه تسمیه ذوالقرنین چند نظر توسط مفسرین ارائه شده است:

۱. چون وی به دو قرن خورشید (مطلع الشمس و مغرب الشمس) رسید.<sup>۱</sup>

۲. چون با دست و رکاب می جنگیده<sup>۲</sup>

۳. بعلت دو شاخ یا دو برجستگی که بر سر یا بر تاجش بود<sup>۳</sup>

۴. چون روزگار او دو قرن طول کشید

۵. چون بر سر او دو قرن یعنی دو گیسو بود

۶. چون در نور و ظلمت پیش می رفت

۷. چون شرق و غرب زمین را در نور دیده بود

۸. برای آنکه در خواب دید که سروهای آفتاب بر دست گرفته و خوابش تعبیر شد که او بر

مشرق و مغرب پادشاه گردد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

### ذوالقرنین کیست؟

با توجه به خصوصیات ذکر شده در قرآن، ذوالقرنین با کد امیک از کشورگشایان تاریخ منطبق

۱. الاساس فی التفسیر، سعید حوی، ج ۶، ص ۳۲۲۰

۲. تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۳، ص ۴۴۵ و تفسیر موهب علیه (حسینی)، ص ۶۵۶ و دائرة المعارف الاسلامیه ج ۹ ص ۴۰۴

۳. انوارالذیل، بیضاوی در تفسیر آیه فوق ایندو برجستگی شاخ مانند، علامت اقتدار بود و شاید ارتباطی با گاو نر و مجسمه های گاو شاخدار در بناهای تاریخی ایران مثل تخت جمشید داشته باشد زیرا که گاو علامت تقدیس و

نیرومندی بود (ذوالقرنین، ابوالکلام آزاد، ترجمه باستانی پاریزی، ص ۳۶)

است. ابتدا نظریات ارائه شده را از نظر می گذرانیم:

۱. ابوکوب شمیر بن عرش بن افریقس حمیری که دارای دو قرن یعنی دو گیسوی بلند بوده در اشعار جاهلی به عنوان کشور گشا یاد شده، از محققین قدیم ابوریحان بیرونی و از متأخرین سید هبه الدین شهرستانی پیرو این نظریه می باشند.

بر اساس کتیبه هایی که به دست آمده نام وی "شمر یحراش" آخرین شاه دوره سوم یمن و نخستین پادشاه دوره چهارم در سالهای ۲۷۵ - ۳۰۰ میلادی است.

از نظر دکتر سید حسن صفوی جهانگشایی که به شمر نسبت داده اند چون لشکرکشی وی به ایران، محاصره سمرقند و رفتنش به چین از گزافه گویی و افسانه سرایی اخبار یمن است. و شمر فتوحاتش محدود بوده از حدود معینی تجاوز نکرده است.<sup>۱</sup>

۲. صعب بن همال حمیری (۳۲۰ - ۳۰۰ م) از نظر ابن درید در کتاب و شاح وقس بن ساعده ی در اشعارش:

و الصَّعْبِ ذَوِ الْقَرْنَيْنِ أَصْبَحَ ثَاوِيًّا بِاللَّحْدِ يَسْنَ مَلَاعِبَ الْأَرْبَاحِ<sup>۲</sup>

۳. منذر بن ماء السماء در اشعار امراء القیس به عنوان ذوالقرنین یاد شده است<sup>۳</sup>

أُصِدَّ نَشَاصِ ذِي الْقَرْنَيْنِ حَتَّى

تَوَلَّى عَارِضَ الْمَلِكِ الْهَمَامِ<sup>۴</sup>

۴. اسکندر کبیر (۳۵۶-۳۲۳ ق م)

مفسرین قدیم مانند طبری، طوسی، طبرسی، ابوالفتوح رازی، فخر رازی، مسبیدی، و بیضاوی و حسینی<sup>۵</sup>. وی را اسکندر رومی (۳۵۶ - ۳۲۳ ق م) دانسته و در نبوت او اختلاف

۱. ذوالقرنین کیست، دکتر سید حسن صفوی، تهران، انتشارات محمدی ۱۳۵۸، ص ۴۱ و ۴۲

۲. بلوغ العرب فی معرفة احوال العرب، ج ۱، ص ۱۷۷. ۳. دائرة المعارف الاسلامیة ج ۹، ص ۴۰۲

4- Six Divans: Ahlwardt P.158

۵. تفسیر مواعب علیه (حسینی) ص ۶۵۶

کرده‌اند.

در تفسیر زادالمسیر آمده که خداوند ابر را در تسخیر او در آورده بود تا بر او سوار شده هرکجا می‌خواست می‌رفت و روزی که از روم بیرون آمد مصر را تسخیر کرد و سپس با زنگیان پیکار کرد و بر آنان پیروزگشت و آنگاه عازم مغرب شد، و به تعبیر قرآن سببی را پی گرفت و به آن سبب تو سل جسته می‌رفت تا به مغرب زمین رسید تا نزدیک چشمه آبی گرم بر ساحل دریای اقیانوس غربی با گروهی سبز چشم و سرخ موی و با هیبت، برخورد کرد.

ابن خلدون نیز ذوالقرنین را اسکندر دانسته<sup>۱</sup> و اخیراً دکتر حسن صفوی در این باره کتابی نوشته و به ترجیح این قول پرداخته است.<sup>۲</sup>

ظاهراً ابوعلی سینا اولین کسی است که می‌گوید، ارسطو معلم اسکندر بوده که قرآن از او به ذوالقرنین یاد کرده است.<sup>۳</sup> محققین اروپایی نیز این نظر را تأیید کرده اند.<sup>۴</sup>

در اسطوره سریانی که در قرن ششم میلادی آشکار شده آمده است که اسکندر خطاب به خدا اظهار داشت: "من می‌دانم که تو دو شاخ بر بالای سر من قرار دادی تا رشد کنند تا بتوانم با آندو همه ممالک جهان را مسخر کنم"<sup>۵</sup>

از نظر نولدکه قرآن شناس آلمانی، این اسطوره سریانی مأخذ اصلی روایات تفسیری در مورد ذوالقرنین است.<sup>۶</sup>

اسکندر در زبان یونانی الکساندروس Alexander است که از دو کلمه ترکیب شده الکسو یعنی حامی و اندروس به معنی انسان، و بنابراین معنی ترکیبی اسکندر (حامی انسان) می‌تواند منطبق با شخصیت ارائه شده قرآنی باشد.

۲- ذوالقرنین کیست تألیف دکتر حسن صفوی

۱- مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۴۶

۳- کتاب شفا به نقل از ذوالقرنین، ابوالکلام آزاد، ص ۱۷۵

۵- دائرة المعارف الاسلامیة ج ۹، ص ۴۰۴

۴- دائرة المعارف الاسلامیة ج ۹، ص ۴۰۳

6- Beitrage zur: Nokdeke Geschichte des Alexanderrromans, Denkschriften der kais, Akademiec der wissenschaften (phil- Hist. Klasse, 38. vol, wien 1890 v. Abhandlung).

همانطور که در تاریخ به تفصیل آمده است اسکندر یکی از کشورگشایانی است که شرق و غرب را در نوردید و از سواحل مدیترانه تا مرزهای هندوستان را تسخیر کرد

"رت" <sup>۱</sup> داستان سد اسکندر را از چند منبع از جمله از قول نلاویوس ژوزف نقل کرده که متن کامل آن در ترجمه سریانی <sup>۲</sup> موجود است و ناشر آن ارنست اویلیزبورگ می باشد <sup>۳</sup> از قصه دیگری از منابع مسیحی که ضمن اسناد اسکندریه به دست آمده نقل می کنند که وقتی اسکندر به شمال در ناحیه جبال قفقاز می رسد ۳۰۰ پیرمرد به او اطلاع می دهند که یک راه باریک در این کوهستان به مسکن اقوام وحشی "هون" <sup>۴</sup> منتهی می شود که آدمخوار و خونخوارند و به اقوام مجاور حمله می کنند، اسکندر با کارکنان مصری خود سه سد از مس و مفرغ در تنگه های کوه می سازد تا از هجوم آن اقوام وحشی جلوگیری کند.

#### محل سد سکندر

یوسف علی که در ترجمه و تفسیر خود به انگلیسی در باره ذوالقرنین به تحقیق پرداخته، ذوالقرنین را اسکندر دانسته و محل سد یا دروازه آهنی را در بند بر می شمارد البته نه در بند قفقاز و غرب دریای خزر بلکه در بند شرق خزر در آسیای میانه در حدود ۱۵۰ مایل جنوب شرقی بخارا میان ترکمنستان و هندوستان، در ۳۸ شمالی و ۶۷ شرقی، این سد را اکنون به ترکی پروزگول خانه <sup>۵</sup> می نامند. اما به دروازه آهنی معروف است و به عربی باب الحديد و به فارسی در آهنی و به چینی "تایمن خون" <sup>۶</sup> گفته می شود.

از این سد نشانه ای برجای نمانده است و در قرن هفتم جهانگرد چینی هون تسینگ <sup>۷</sup> در راه

1- Roth

2- Pseudo Callesthene

3- Erneste A. Wallis Budge

4- Hun

5- Buzghol- khana

6- T'ie me Kuan

7- Hiouen Tsiang



خود به هند، آنرا مشاهده کرده است. نزدیک آن دریاچه‌ای است که بنام دریاچه اسکندر معروف است. اسکندر بعد از فتح ایران قبل از رفتن به هندوستان به بخارا و سمرقند آمده است. مقدسی جهانگرد و جغرافی دان عرب در حدود ۳۷۵ هـ می نویسد: "واثق، خلیفه عباسی، پژوهشگرانی به آسیای میانه فرستاد تا در باره سد آهنی تحقیق کنند و به او گزارش دهند. آنان تنگه‌ای را یافتند به معرض ۱۵۰ یارد میان دو کوه مرتفع که یا قطعات آهنی ساخته شده بود همراه با سرب گذاشته که آن تنگه بسیار محکم نگاه داشته بود.<sup>۱</sup>

در داستان اروپایی اسکندر آمده که اقوام وحشی یاجوج و ماجوج، یا ۴۰۰/۰۰۰ تن آمدند تا پروس را در برابر اسکندر حمایت کنند، آنان به کوه زدند و اسکندر در برابر آنان سد معروف را ساخت تا در حملات آنان جلوگیری می کند.<sup>۲</sup>

### ترمد و سد یاجوج و ماجوج

سید قطب به مناسبت سد یاجوج و ماجوج می نویسد: "سدهی نزدیک شهر ترمد از شهرهای تاجیکستان معروف به "باب الحديد" کشف شده است. در اوائل قرن ۱۵ میلادی دانشمند آلمانی سیلد بروجر از آن گذشته و آنرا در کتاب خود ثبت کرده است. همچنین مورخ اسپانیایی، کلامنجو در سفرش بسال ۱۴۰۳ م آنرا ذکر کرده و می گوید: سد شهر باب الحديد، در راه بین سمرقند و هند است. و این سد احتمالاً همان سدهی است که ذوالقرنین آنرا بنا کرده است.

و بعضی برآنند که سد ذوالقرنین همان سد عظیم چین است، سعید حوئی می گوید بعضی از فضیای معاصر که از چین دیدن کرده اند می گویند که بعضی از اهالی چین قبائل هستند معروف به نام یاجوج و ماجوج.

1- A. Yusuf Ali, the Holy Qur'an , Text, translation and commentary p. 762.

2- Paul Meyer, Alexander le Grand dans Lalite' trature francaise do moyen Age; Paris , 1886; vol. 2, pp. 386- 389

و بعضی از چینیان معتقدند که سد یا جوج و مأجوج، هم اکنون در منطقه ای معروف در هند است، که شرق آسیا را از غربش جدا می کند و در آنجا آثار و بقایای آن سد آهنی است در بین دو کوه.<sup>۱</sup>

##### ۵. شی هوآنک تی<sup>۲</sup> (قرن سوم ق م)

از نظر استاد امیر توکل کامبوزیا، ذوالقرنین شی هوآنک - تی، پادشاه بزرگ چین، و یا جوج معرب بوچانک و مأجوج معرب مانچوتک قبائل وحشی چین و عین حمته، معرب هوتسینک است (که به زبان چینی به معنای چشمه ها و چاه های فواری است که آبهای سوزان و لجن داری را با گازهای شدید بیرون می دهد و در مغرب چین این چشمه ها بسیار فراوان است) و سد ذوالقرنین، همان دیوار معروف چین است.

کشور چین در دو قرن و نیم قبل از میلاد بر اثر ضعف سلاطین دچار هرج و مرج شده و قبائل وحشی شمالی یا جوج (بنامهای مانویا مانچوتک - ماتگول یا مغول که قبائل مغول و تاتار از آنها منشعب می شوند و مأجوج (از نام قبائل بزرگ مانچو و منچورستان فعلی) به غارتگری اشتغال داشتند.<sup>۳</sup> در برابر قبائل وحشی کشاورزان صلح جویی بودند در غرب "شان توتک" که از ستم قبائل وحشی رنج می بردند.<sup>۴</sup>

در تاریخ چین آمده است که شی هوآنک، برای کوتاه کردن دست غارتگران سپاه نیرومندی به فرماندهی "وانک تسیان" بسیج کرد و با شکستهای پی در پی که بر قبائل مهاجم وارد ساخت، آنان را به سمت شمال عقب راند.<sup>۵</sup>

۱- رجوع شود به تفسیر فی طلال القرآن سید قطب، و تفسیر الاساس سعید حوی، ج ۱ ص ۳۲۳

2- Shih Hwang-ti

۳- تاریخ چین ترجمه از فرانسه بوسیله میرزا محمد ندیم السلطان چاپ تهران ۱۰۴ و ۱۹۹ و ۲۰۰

۴- تاریخ چین، ص ۲۰۳

۵- اطلس بزرگ فرانسه، ص ۲۸۳

و آنگاه به عمران و آبادانی شهر و وضع کشاورزان پرداخت، و محرمانه مردم را به تهیه وسائل سفر طولانی، تیر و مهمات، خوراک و پوشاک و وسائل نقلیه، مهندسین و متخصصین راهسازی تشویق کرد. و پس از تکمیل وسائل و اسباب با اردوی عظیمی سفر خود را آغاز کرد.<sup>۱</sup> استاد کامبوزیا، این بخش از تاریخ شی هوانگ را منطبق با مفاد آیه قرآن می داند که می فرماید: *إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا*<sup>۲</sup> (ما او را در زمین مکتت و اقتدار و از هر چیزی اسباب و وسائلی به وی دادیم).

#### سفر به غرب

پایتخت شی هوانگ شهر میان یانگ کنار رود وئی شوئی واقع در شمال چین مجاور شهر پکن پایتخت کنونی بود. وی به همراه ارتشی کاملاً مجهز از طریق ایالت شانسی رو به مغرب چین حرکت می کند و به ایالات مغربی "سیچوان" می رسد که در آن سرزمین آبهای لجنی و گازدار گرم فراوان است. از نظر استاد کامبوزیا این بخش از تاریخ شی هوانگ منطبق با آیه قرآن است که می فرماید: *فَاتَّبَع سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ* پس ذوالقرنین به راه افتاد تا اینکه به محل غروب خورشید رسید و خورشید را چنان یافت که در چشمه گرم لجن آلود (حمته) غروب می کند.<sup>۳</sup>

رتال جامع علوم انسانی

#### سفر به شرق

پس از پایان امور استان سیچوان در غرب شی هوانگ از راه جنوب برای رسیدن به شرق چین، ایالات بوئی، چئو، و یوانگ - سی را پس از نبردهای سخت با سرکشان محلی، پشت سر می گذارد.<sup>۴</sup> استاد کامبوزیا این سفر را منطبق با این قسمت قرآن می داند که:

۲- کهف: ۸۵

۱- همان ص ۲۱۰-۲۱۱

۴- تاریخ چین ص ۷

۳- کهف: ۸۶

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبِيًّا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلَعَ الشَّمْسِ

سپس به راه افتاد تا اینکه به کرانه های خاوری رسید.

شی هوانک برای دفاع مردم دستور می دهد که در بین شهرها راهسازی شود.<sup>۱</sup>

و این زبان را با جمله آخر آیه قبل "تَسْقُوهُم مِّنْ أَمْرِنَا يُسْرًا" (آسانی و رفاه مقرر خواهیم داشت) انطباق می دهد.

شرق چین تا مصب رود یانک تسه کیانک منطقه حاره و استوایی است که دارای تابستانی بسیار گرم و زمستانی معتدل است، و این بخش منطبق با این قسمت از آیات ذوالقرنین است که مردمان آنرا عریان و بدون لباس معرفی می کند:

لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا

امروز هم برهنگی در سواحل و جزائر پراکنده چین و ژاپن و حتی نواحی هند و چین متداول است و به افراد برهنه این مناطق آی نو یعنی پشمالو گفته می شود.

### سفر به شمال

در ۳۱۴ ق م بر اثر فشار قبائل مهاجم سلطان استان چنو سدی از روی هوانک هو تا ساحل خلیج پیچلی کشیده بود و در همان زمان سلطان استان ین هم سدی از ایالت شانسی تا بفاز لیاتونگ واقع در مرز کنونی نامچوری احدث کرد. تلاقی این دو سد که یکدیگر را قطع کرده اند در نزدیکی بندر فعلی یونک - بیک واقع در ساحل خلیج پیچلی است. درست در این نقطه است که شی هوانک در سفر به شمال شرقی خود بین این دو سد رسیده از نظر استاد کامبوزیا، این همان دوسدی است که قرآن به آن تصریح کرده می فرماید: "حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ" (تا اینکه ذوالقرنین بین دو سد رسید) و پس از بازدید از این دو سد، دستور می دهد که سد استوار و خلل ناپذیری بسازند.

## سد ذوالقرنین یا دیوار چین

سستی و خرابی سدهای اولیه که باعث رخنه اقوام مهاجم پوچانک و مانچوتک شده بود منجر به شکایت اهالی به شی هوانگ شده و به دستور او دیوار و سد محکمی شروع به ساختمان می‌شود که ارتفاع آن از ۹ الی ۱۲ متر عرض قاعده و پایه آن ده و طول آن چهار هزار کیلومتر است. در فاصله چند متر به چند متر برجی در روی دیوار بنا شده که به منظور دفع دشمن و تسلط بر او بوده است:

در تقویمهای چین که روز به روز در زمان شی هوانگ یادداشت شد فرمانی ضبط شده مبنی بر اینکه: "اگر میخی لای درز سنگی قابل کوبیدن باشد گردن سازنده آن محل قطع شود." براستی این دیوار از عجایب صنع بشری است و تاکنون طی ۲۲۰۰ سال بدون کوچکترین مرمت و تعمیر در منطقه سردو در مسیر دائم زلزله بدون کوچکترین شکافی باقی است.

استاد کامبوزیا این سد و دیوار محکم را مصداق بخش پایانی آیات ذوالقرنین دانسته که می‌فرماید

آتونی زُبُّ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ  
آتونی أفرغ عليه قطراً<sup>۱</sup>

گفت برای من آهن بیاورید تا با فاصله میان دو بریدگی کوه معادل شود گفت بدمید تا وقتی که آهن را به صورت آتش کردند گفت برای من مس در حال مذاب بیاورید تا به روی آهن گداخته بریزم.

این آیه پایه آهنین و روکش مسین را در بریدگی میان دو شکاف دو کوه مجاور ذکر می‌کند که با مراجعه به وضعیت کنونی ساختمان دیوار چین، نقاط و معابر کوهستانی واقع بین پکن و خلیج پیچیلی (شمال شرقی چین) از تمام نقاط دیگر سد محکمتر و استوارتر ساخته شده است.<sup>۲</sup>

۱- کهف: ۹۶

۲- آیات ذوالقرنین، استاد امیر توکل کامبوزیا، ضمیمه کتاب اعجاز قرآن دکتر یدالله نیازمند ص ۲۵۳-۳۰۱

فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا<sup>۱</sup>

(پس از اتمام سد دیگر قبائل وحشی) نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند آنرا سوراخ کنند.

## ۶. کوروش سوم (۵۳۹-۵۶۰ ق م)

سرسید احمد خان بنیان‌گذار دانشگاه علیگر - هندوستان نخستین کسی بود در تحقیقات خود کورش را همان ذوالقرنین دانست و مولانا ابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ هند در تفسیر خود به توضیح آن پرداخت، و توضیحات وی از نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و آیت الله مکارم در تفسیر نمونه و استاد سعید حوی در تفسیر الاساس و استاد محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین و استاد صدر بلاغی در قصص قرآن و حاج عبدالمجید صادق نوبری در تفسیر کشف الحقائق و بعضی دیگر مورد بررسی قرار گرفت. این نظریه از هرگفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن تر و قابل قبول تر قرار گرفت.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: "بعضی گفته اند ذوالقرنین همان کورش - یکی از ملوک هخامنشی در فارس است که در ۵۲۹-۵۶۰ ق.م می زیسته و هم او بوده که امپراطوری ایرانی را تأسیس و میانه دو مملکت فارس و ماد را جمع نمود، بابل را مسخر کرد و به یهود اجازه مراجعت از بابل به اورشلیم را صادر کرد و در بنای هیکل کمکها کرده، مصر را به تسخیر خود در آورد ... آنگاه رو به سوی مشرق نهاده تا اقصی نقاط مشرق پیش رفت."<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی طی هشت صفحه نظریات ابوالکلام آزاد را ارائه داده اند که خلاصه آن از اینقرار است: "آنچه قرآن از وصف ذی القرنین آورده با این پادشاه مطابقت دارد از جمله:

## دلایل انطباق ذوالقرنین با کورش

۱. اگر ذوالقرنین مردی مؤمن به خدا و دین توحید بوده کورش نیز بوده است.

۲. اگر او پادشاهی عادل و رعیت پرور و دارای سیره رفق و رأفت و احسان بوده، این نیز بوده است.
۳. اگر او نسبت به ستمگران و دشمنان مردی سیاستمدار و سخت گیر بوده، این نیز بوده است.
۴. اگر خدا به او از هر چیزی سببی داده، به این نیز داده بود.
۵. اگر میانه دین و عقل و فضائل اخلاقی و عِدّه و عُدّه و ثروت و شوکت و انفیا و اسباب برای او جمع کرده، برای این نیز جمع کرده بود.
۶. کورش نیز سفری به سوی مغرب کرده و بر لیدیا و پیرامون آن مستولی شده است .
۷. کورش باردیگر به سوی مشرق سفر کرده و به مطلع الشمس رسیده و در آنجا با مردمی صحرائشین و وحشی دیدار کرده است.
۸. و نیز همین کورش سدی بنا کرده و این سد در تنگه داریال میانه کوههای قفقاز و نزدیکیهای شهر تفلیس است.<sup>۱</sup>
- از نظر ابوالکلام آزاد، داستان ذوالقرنین در پاسخ به سوالی است که به اشاره علمای یهود مدینه یکی از افراد قریش از پیامبر اکرم (ص) می پرسد: <sup>۲</sup> *يَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْنَيْنِ*. طبیعی است که سوال یهودیان در مورد شخصیتی باشد که عرب نبوده بلکه در ارتباط با آنان است ، در این راستا رؤیای *دانیال نبی (ع)* در کتابهای یهود است که در خواب می بیند قوچ دوشاخی غرب و شرق و جنوب زمین را شخم می زند ناگاه یک بزکوهی از غرب زمین را می کاود و با قوچ دوشاخ روبرو می شود و آنرا از میان بر می دارد. پس از آن فرشته ای پدید می آید و خواب *دانیال* را تعبیر می کند که صاحب دوشاخ، پادشاه پارس و ماد است. و بز یک شاخ اسکندر است که آخرین پادشاه پارس را بر می اندازد.<sup>۳</sup> و آنگاه کشف مجسمه کورش با دوشاخ و دو یال، در

۱- المیزان ج ۲۶، ص ۳۰۴-۳۰۵

۲- بر اساس روایت ترمذی، نسائی و احمد حنبل، طبری، ابن کثیر و سوطی.

۳- سفر دانیال: ۸-۱

دشت مرغاب را سندی قوی بر این مدعی می شمارد.

گرچه بعضی از محققین جدید، کتاب دانیال را ساختگی و قرن‌ها بعد از سقوط بابل و آزادی یهود دانسته و بسیاری زمان تألیف آنرا از بعد از قرن اول میلاد می دانند. فقط پروفیسور ماکس لوئر (Max Locher) تألیف آنرا در سال ۱۶۴ قبل از میلاد دانسته است.<sup>۱</sup>

اما ابوالکلام می افزاید ممکن است سفر دانیال یک داستان ساختگی باشد ولی آنچه در آن آمده مسلماً دارای اصل و حقیقتی است.<sup>۲</sup>

مورخین معاصر به شخصیت والا و عادل و بافضیلت کورش گواهی داده اند.<sup>۳</sup>

#### محل سد آهنین کورش در آسیای میانه

سد ذوالقرنین از نظر استاد ابوالکلام آزاد، در محلی بین دریای خزر و دریای سیاه واقع شده که سلسله کوه‌های قفقاز مثل یک دیوار طبیعی راه بین جنوب و شمال را قطع می کند و فقط یک راه در تنگه میان این سلسله کوه‌ها وجود دارد، این راه امروز بنام تنگه داویال می خوانند و در ناحیه ولادی کیوکز (Vladi Kaukas) (ماوراء قفقاز) و تقلیس واقع شده است.

هم اکنون بقایای دیوار آهنی در این نواحی هست، معبد داریال بین دو کوه بلند واقع شده و این سد که آهن زیادی در آن دیده می شود در همین دره وجود دارد. در زبان گرجستان از قدیم این دروازه را "دروازه آهنین" و ترکها آنرا دامرکپو یعنی دروازه آهنی خوانده اند و امروز هم به همین نام مشهور است.<sup>۴</sup>

#### 1- A History of Religion in the old Testament

۲- کورش کبیر (ذوالقرنین) تألیف ابوالکلام آزاد، ترجمه دکتر باستانی پاریزی، ص ۱۹۲

#### 3- Universal History of the world, J.A Hammerton, B. Grudi, V.2.

۴- ابوالکلام آزاد، ذوالقرنین، ص ۲۷۸-۲۸۰



## ۷. داریوش بزرگ (۵۲۲-۴۸۳) ق م

برخی داریوش بزرگ پسرعموی کوروش را که هشت سال پس از وفات وی بجای او نشست ذوالقرنین دانسته اند.

### دلائل انطباق

از آنجا که یکی از نشانیهای ذوالقرنین ساختن سد آهنی است و در دیوار چین شی هوانگ آهن بکار نرفته و در مورد اسکندر ساختن چنین سد آهنی معلوم نیست و تنها کوروش و داریوش بودند که هم سه بار سفر سوق الجیشی آندو به غرب و شرق و بین دو سد قطعی است و هم عدالت و هم داشتن مکنت و مراد از عین حماة که بنظر می رسد آفتاب در آن فرو می رود دریای سیاه یا خلیج دریای اژه بوده چون عین به معنای آب فراوان است.<sup>۱</sup>

کوروش نخستین کسی است که ماد و پارس را با هم متحد می کند و سزاوار لقب ذوالقرنین است ولی او در جنگ با ماساژتها کشته شد و بعید است که در حدود مملکت خود سدی بنا کرده باشد اما داریوش سکائنها را عقب راند و ایران را از دست آنان راحت ساخت و معنای داریوش که بمعنای مانع است<sup>۲</sup> با ساختن سد و منع اقوام مهاجم متناسب است.

داریوش بزرگ دشمنان را مغلوب و نفوذ خود را از سوی شمال شرقی تا شط سیحون از جنوب شرقی تا کنار رود سند و از مغرب تا یونان توسعه داد و همه ملل آسیای غربی و آسیای میانه و مصر و حبشه را زیر فرمان خود در آورد.<sup>۳</sup>

در یکی از کتیبه هایی که باستان شناسان از داریوش کشف کرده اند و ۲۵۰۰ سال قدمت دارد آمده است: "داریوش به عموم مردم اعلام می کند که اهورا مزدا سلطنت را از فضل و رحمت خود

1- Muhammad Ali, the Holy Qur'an, India 1935, p.603

۳. فرهنگ عمید، اعلام ۵، ص ۴۹۹-۵۰۰

۲. قاموس کتاب مقدس جیمز ماکس، ص ۲۶۴

به من بخشیده و من به توفیق او بر تحکیم صلح و آرامش در زمین دست یافته‌ام.<sup>۱</sup> این کتیبه که گفته می‌شود به فرمان داریوش نقش شده با قول ذوالقرنین در قرآن موافق است که می‌گوید: "هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي" یعنی این رحمتی از جانب پروردگار من است.<sup>۲</sup> بعضی از محققین هم در مورد اسکندر و هم داریوش و هم کورش و هم شی هوانک و دیگران مانند بسیاری از مسائل تاریخی تردید کرده‌اند.<sup>۳</sup> راه حل این معما، یک تحقیق عملی توسط باستانشناسان و جغرافی دانان است که امید است در آینده نزدیک عملی گردد.

## نقد و بررسی

### ۱. نقد نظریه انطباق یا پادشاهان یمن

در میان مصادیقی که مفسرین برای ذوالقرنین ذکر کرده‌اند، بعضی مانند پادشاهان حمیر از نظر محققین و با واقعیت‌های تاریخی و باستانشناسی قابل انطباق نیست و به افسانه‌سرایان اخبار یمن نزدیکتر است. آنچه در میان محققین مورد توجه قرار گرفته و طرفدارانی پیدا کرده در درجه اول اسکندر مقدونی و در درجه دوم کورش و درجه سوم داریوش و در مرحله چهارم شی هوانک طرفداران بیشتری دارند، و در مورد هر کدام نقد و بررسی بعمل آمده است:

### ۲. نقد انطباق با اسکندر

از آیات ذوالقرنین چینی بر می‌آید که وی مردی صالح موحد، و عادل بوده در روایات تفسیری امام علی (ع) در پاسخ کسی که پرسید ذوالقرنین پادشاه بود یا پیغمبر؟ فرمودند: بنده

1- Rawlinson: Five Great Monarchies the Ancient Eastern world

۲- رجوع شود به ابوالکلام آزاد، ذوالقرنین، ترجمه دکتر باستانی پاریزی ص ۲۶۳

۳- رجوع شود به دکتر سید حسن صفوی، ذوالقرنین کیست، ص ۴۶-۶۵ و کورش و ذوالقرنین از دیدگاه تاریخ و آئین،

صالح بود که خدای را دوست می داشت و خداوند هم او را دوست می داشت.<sup>۱</sup> اما صفات اسکندر یونانی از نظر بسیاری از مورخین کاملاً نقطه مقابل صفات قرآنی است و گفته می شود فیلیپ با مادر اسکندر بواسطه سوء ظنی که با او می داشت متارکه و اسکندر را نفی کرد و گفت: فرزند او نیست.<sup>۲</sup>

### ۳. نقد نظریه انطباق با کورش

اما در مورد کورش، از نظر محققین، مبنای آن بیشتر استنباطی است که آقای ابوالکلام آزاد از کتاب تورات، دانیال نبی نموده اند. و کتاب دانیال نبی را بسیاری از اهل تحقیق معتبر ندانسته و بر فرض صحت انتساب کتاب مذکور به دانیال نمی توان قوچ دوشاخ را تنها بر کورش منطبق دانست بلکه عبارت کتاب دانیال تمام پادشاهان ماد و فارس را شامل می شود: "قوچ صاحب دوشاخی که دیدی ملوک مدائن و فارس است و برتر مودار پادشاه یونان"<sup>۳</sup>

اما در مورد مجسمه منسوب به کورش، که در مسجد مادر سلیمان (بازارگاد) کشف شده از نظر اکثر محققین مربوط به کورش نبوده بلکه نمادی از ملکی است در حال پرواز و عبارت کنده شده روی آن: "من کورش پادشاه هخامنش" را مربوط به مجسمه ندانسته بلکه متعلق به تمام بنای آن ساختمان دانسته اند.<sup>۴</sup>

- در مورد سد داریان سندی تاریخی دال بر اینکه کورش سدی جلو سیت ها ساخته وجود ندارد. و بنای دروازه آهن (باب الحدید) منسوب به اسکندر مقدونی است.<sup>۵</sup>

- از نظر هرودت، کورش پادشاهی جاه طلب و دارای تمایلات توسعه طلبانه بوده خود را

۱- تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۳، ص ۴۴۵

۲- دکتر باستانی پالیزی، کورش کبیر ذوالقرنین، ص ۴۱ و ۴۲

۳- تورات، مفر دانیال: ۲۰۸-۲۱

۴- دکتر بهاء الدین پاراگاد، تاریخ فلسفه و مذاهب جهان کتاب دوم آئین زرتشت و سایر مذاهب ایران باستان. چاپ

۵- دکتر سید حسن صفوی، ذوالقرنین کیست، ص ۵۸

فوق بشر می دانسته است.<sup>۱</sup>

#### ۴. نقد نظریه انطباق با داریوش بزرگ

- برخی در مورد پابندی وی به دین تردید کرده زیرا که وی با دخالت دادن مذهب در کار سیاست و مملکت مخالفت می کرده است.

- گفته می شود داریوش نه به چین رفت که دیواری بنا کند و نه سدی برای جلوگیری از هجوم سکاها ساخت، تنها وقتی در دشتها و کوههای قفقاز بود دستور داد هشت دیوار عظیم در وسط صحرا با فاصله های ۱۱ کیلومتری بنا کنند ولی آنها را ناتمام گذاشت و به تعقیب سکاها پرداخت، این دیوارها یک قرن هم دوام نیاورد. و هر دوت ۴۲۵-۴۸۴ ق.م می نویسد من خود خرابه های این دیوارها را دیده ام.

- داریوش با همه قدر و تدبیر از نظر اخلاق و معنویت بیای کورش کبیر نمی رسید.<sup>۲</sup>

#### ۵. نقد نظریه انطباق با شی هوانگ تی

- اعمالی که به او نسبت می دهند بیانگر آنست که وی مردی سخت گیر و بی رحم و جاه طلب بوده به عنوان نمونه می گویند: یک بار ۲۷ نفر دانشمند را که به حکم تنبیه مادرش اعتراض کرده بودند با قساوت دستور داد دست و پایشان را ببرند و در ملاء عام قرار دهند. و نیز فرمان داد کتابخانه های مخالفان را بسوزانند و ۴۶۰ هزار نفر دانشمند را به جرم اختلاف عقیده با وی به قتل برسانند.<sup>۳</sup>

- در حال حاضر از نظر تحقیق تاریخی نظر به انطباق با اسکندر نسبت به سایر نظریه ها مقدم

۱. تاریخ هرودت ترجمه هادی هدایتی کتاب اول بند ۱۹۰، ص ۲۶۵ و بند ۴-۲ ص ۲۷۹

۲. همان ص، ۶۱

۳. راجع به مظالم تسن چی هوانگ مراجعه شود به کتاب تاریخ چین صفحه ۲۰۰ و ۲۲۴-۲۲۵ و ۱۰.

است اما نیاز به یک تحقیق عملی توسط باستان شناسان و جغرافی دانان دارد که امید است در آینده نزدیک عملی گردد.

### نتیجه گیری از نظریات در باره ذوالقرنین

از مجموع تحقیقات علماء و مفسرین که فشرده آنها را از نظر گذرانیدیم می توان نتیجه گرفت: ۱. این تحقیقات علمی و نظری نیاز به کار عملی باستانشناسی دارد تا بتوان قاطعانه در مورد مصادیق هشتگانه ذوالقرنین نظر داد. امید است که باستانشناسان با سفر به مناطق احتمالی و کاوش عملی اهل تحقیق را از حقیقت امر آگاه سازند.

۲. آنچه مایه تردید بسیاری از محققین بوده اینست که از ظاهر آیات قرآن بر می آید که ذوالقرنین فردی موحد و با ایمان و عادل بوده و در مورد هر یک از کشورگشایان هم سخن از ایمان و عدالت آنها گفته اند و هم از ظلم و شرک آنان.

اما باید دانست که نه آیات مذکور دلیلی بر عصمت ذوالقرنین است، و نه آنچه در باره این کشورگشان گفته شده قطعی است، و چه بسا تشابه اسمی و حبّ و بغضها موجب شده که فردی را مدح یا قذح کنند.

۴. آنچه که این آیات به ما می آموزد اینست که حوادث تاریخی، حادثه ای اتفاقی و تصادفی نبوده و این پادشاهان و کشورگشایان نیستند که این تحولات مهم تاریخی را می آفرینند بلکه همه به فرمان خداست و تاریخ از قانونمندی برخوردار است. و لذا خداوند بیشتر کارها را به خود نسبت می دهد و می فرماید:

إِنَّا مَكْنَأُ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتِينَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ... قَالَ مَا مَكْنَأُ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي.

۵. از آنجا که وقایع تاریخی قانونمند و به فرمان خداست می بینیم که بطور مشابه تاریخ تکرار می شود و چقدر تاریخ زمان کوروش و داریوش و اسکندر و شی هوانگ با یکدیگر همگونند تا جائیکه مفسرین و مورخین را به حیرت واداشته که کدامیک از اینان ذوالقرنین است؟.

## منابع فارسی و عربی:

- ۱- آزاد، ابوالکلام، ذوالقرنین یا کورش کبیر، ترجمه دکتر باستانی پاریزی، تهران، انتشارات کورش، ۱۳۶۹ ش
- ۲- آلبرماله، ژوال ایزاک، تاریخ ملل شرق و یونان، انتشارات ابوعلی سینا
- ۳- آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء المتراث العربی ۱۴۰۵ هـ در سی جلد.
- ۴- ابن بطوطه: رحله ابن بطوطه، چاپ محمد المنعم عریان، بیروت ۱۴۰۷.
- ۵- ابن خلدون، مقدمه، ترجمه پروین گنابادی ج ۱ و ۲، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۰ ش.
- ۶- ابن کلیبی، هشام بن محمد، کتاب الاصنام، (تنکیس الاصنام) ترجمه سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، تابان ۱۳۴۸
- ۷- ابوالفتوح رازی، روح الجنان و روح الجنان، تصحیح شعرانی، اسلامیه ۱۳۸۷
- ۸- ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، قاهره، ۱۹۶۷ م
- ۹- ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیاء، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹
- ۱۰- اتین ماری در یوتون، ژاک و اندیه تارویخ مصر قدیم
- ۱۱- اسعدی، مرتضی، جهان اسلام، مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۶۹ ج ۱ و ۲
- ۱۲- الدرجان. باستان شناسی کتاب مقدس، ترجمه سهیل آذری، تهران، نور جهان ۱۳۵۰.
- ۱۳- امل اسین، مکه مکرمه، مدینه منوره، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران امیر کبیر، ۱۳۶۰
- ۱۴- اورهان بایراق، توکیاالسیاحیه، ترجمه خالد نوری، چاپ استانبول منشورات مینیا تورا: ۴۶، بی تا
- ۱۵- بلاغی، صدرالدین، فرهنگ قصص قرآن، تهران، امیر کبیر ۱۳۳۱
- ۱۶- بورکهامت، تیتوس، "هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران

- ۱۷- بوکامی، دکتر موریس، تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیری تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸
- ۱۸- بی آزار شیرازی عبدالکریم، طلوع و غروب تمدنها، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۸
- ۱۹- بی آزار، عبدالکریم، تفسیر کاشف، در ۶ جلد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۶
- ۲۰- بیضاوی، ناصرالدین، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تهران، مروی ۱۳۶۳ در دو جلد
- ۲۱- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر دانا سرشت تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲
- ۲۲- بیژن، اسدالله، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، تهران، انتشارات سینا، ۱۳۵۰
- ثعلبی قصص الانبیاء
- ۲۳- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام ۱۴۱۲
- ۲۴- حجازی دکتر، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت در چهار جلد
- ۲۵- خزائی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵
- ۲۶- جوادعلی، تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، ۱۹۵۷ در ۱۰ جلد
- ۲۷- دائرة المعارف الاسلامیه، ترجمه، احمد الشتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، حافظ جلال، مصر
- ۲۸- دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۷ ش (تاکنون ۶ مجلد از این اثر منتشر شده است).
- ۲۹- دائره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، حبیبی ج ۱، ۱۳۴۵، ج ۲، ۱۳۵۶، ج ۳، ۱۳۷۶
- ۳۰- دائره المعارف قرن بیستم، محمد فرید وجدی، مصر
- ۳۱- دانشنامه جهان اسلام، حرف ب جزوه چهارم زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم تهران ۱۳۷۳
- ۳۲- رازی فخرالدین: مفاتیح الغیب، تهران، دارالکتب العلمیه، در ۳۲ جلد

- ۳۳- رشید رضا، محمد: المنار، مصر، دارالمنار ۱۹۶۷ در ۱۳ مجلد
- ۳۴- زمخشری جارالله، الکشاف، عن حقایق غوامض التنزیل، قاهره ۱۳۷۳ هـ در ۴ جلد
- ۳۵- زهیلی، وهبة، التفسیر المنیر، بیروت دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ هـ در ۳ جلد
- ۳۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ هـ در ۲۰ جلد
- ۳۷- طبرسی، ابوالفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمکتبة الحیاة بی تا
- ۳۸- طبری، ابوجعفر، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۷ هـ ق
- ۳۹- طبری، ابوجعفر، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ هـ از روی چاپ بولاق مصر، ۱۳۲۳ هـ، در ۳۰ مجلد
- ۴۰- طنطاوی، تفسیر الجواهر، بیروت داراحیاء التراث العربی ۱۴۱۲ هـ
- ۴۱- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، در ۱۰ مجلد
- ۴۲- کاشفی، کمال الدین حسین، تفسیر حسینی یا مواهب علیه، تهران، ۱۳۱۷ ش در ۴ مجلد
- ۴۳- سوسه احمد، العرب و اليهود فی التاريخ، دمشق، ۱۹۷۲ م
- ۴۴- شبط موسر: غضق الادب، از میر ترکیه، ۱۷۲۹
- ۴۵- شی‌یرا، ادوارد، الواح بابل، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران ابن سینا و فرانکلین، ۱۳۴۱
- ۴۶- صفوی، سید حسن، ذوالقرنین کیست، تهران کانون انتشارات محمدی، ۱۳۵۸
- ۴۷- طباره، عقیف عبدالفتاح، مع الانبیاء فی القرآن الکریم، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا
- ۴۸- کالین مک ایودی، اطلس تاریخی جهان دوران باستان، ترجمه ف. فاطمی، چاپ تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۴
- ۴۹- کامل، عبدالعزیز: "مدخل جغرافی الی قصص القرآن الکریم"، قاهره الازهر، ۱۹۱۵
- ۵۰- کامل، عبدالعزیز، القرآن و التاريخ، عالم الفکر، کویت، وزارة الاعلام مارس ۱۹۸۲



- ۵۱- عقاد، عباس محمود، ابوالانبياء، المجموعة الكاملة، ج ۱۱، بيروت ۱۹۷۸
- ۵۲- قطب، سيد، في ظلال القرآن، بيروت، دارالعربية، چاپ چهارم
- ۵۳- علمای ماوراءالنهر، ترجمه تفسیر طبری، تصحيح جيبب يغمایي، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶
- ۵۴- مالوان، م. ا.ل، بين النهرين و ايران باستان، ترجمه رضا مستوفی، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش
- ۵۵- مجلسی، بحارالانوار، بيروت، در ۱۱۰ جلد
- ۵۶- مجله الهلال مصر جزء ۷۶، سال ۴۱، محرم ۱۳۵۲
- ۵۷- مجله الهلال مصر، قاهره شماره ۲، سال ۳۴، ۱۵ ربيع الثاني ۱۳۴۴
- ۵۸- مجله کيهان اندیشه، قم، شماره ۶، سال ۱۳۶۵
- ۵۹- مجله ميراث جاويدان، تهران، سازمان اوقاف، سال اول شماره ۳ ۱۳۷۲
- ۶۰- مغنيه، محمد جواد، التفسير الكاشف، بيروت، دارالجواد، ۱۹۸۱ م
- ۶۱- مقدسی، مطهر: البدو والتاريخ، چاپ فرانسه، ۱۸۹۹
- ۶۲- مير مدرس، سيد موسی، كورش و ذوالقرنين، تهران، مركز نشر علوم دانشگاهی، ۱۳۷۳
- ۶۳- النجار، عبدالوهاب: قصص الانبياء، بيروت، داراحياء التراث العربي
- ۶۴- هاکس، جيمز، قاموس كتاب مقدس، تهران، طهوري ۱۳۴۹ ش

### کتابها و منابع اروپایی:

- 65- Allard, M. Une Methode nouvelle pour l'etude de Coran, STXVI (1961)  
5-21.
- 66- -----, Analyse conceptuelle du Coran sur Cartes perforees. Paris, 1963.  
1964. (a Qur' anac study).
- 67- Beiträge zur: Nöldeke Geschichte des, Alexnderromas Denkschriften der

kais, Akademik der Wissens chaften 1890

68- The Encyclopaedia of Islam, new edition, 1971.

69- Encyclopaedia of the Jews, ed. Robertson Smith , Religion of the Semites, 2nd . ed. Passin.

70- Grohmann. Adolf, "al- Arab," first section, "the ancient history of the Arabs, E.I.I., pp. 524-7.

71- Goldziher, Muslim Studies (trans. S.M. Stern) 2 vols. London, 1967.

72- Gaige, Helmut, the Quran and its Exegesis- selected texts with classical and modern Muslim interparetation trans. and ed. Alfred T. Welch, London, Rout ledge and kegan paul, 1976.

73- Cuill aume A. The Meaning of Amanis in sura 2:73 ing. Kritzeck and. winder (edd), the world of Islam London 1959.

74- Gaije Helmut, the Quran and its Exegesis Selected texts with calssical and modern Muslim interpretation trans and ed . Alfred T. Welch, London, Routledge and Kegan paul 1976.

75- Yusuf Ali, The Holy Qur'an, New York, 1946.

76- Hodgson Marshal G.S. the Venture of Islam, Chicago, 1935.

77- Abodl- Karim Biazar The Covenant in the Qur'an the key to Unity of the verses Contained in the Qurnic Sarans, Daftar- i- Nashe- i- Farhangh- i- Islamic Tehran, 1962.

78- Maulan a Abdul Majid Daryabadi: The Holy Qur'an, vol. 1 pp. 276- 286. Taj company. karachi, Pakistan, 1971